

[http://doi.org/ 10.30510/pssci.2024.488223.1125](http://doi.org/10.30510/pssci.2024.488223.1125)

**The impact of human rights on public policy making in the
Islamic Republic of Iran: challenges and proposed policies**

Hossein Soharri¹

Received: 24 February 2024
Reception: 11 June 2024

ABSTRACT

With the victory of the Islamic revolution in Iran, we are witnessing the formation of a legal and governmental system that is based on Islamic principles and laws and shows a paradigm that has shaped the nation's rights based on religious values. Basi has recognized various rights (civil, political, cultural, economic and social) for the nation with regard to human dignity in Islam, which according to the basis of these rights, we can consider Islamic human rights as a theorized model based on Islamic values have always been raised as a means of putting more pressure on Iran in the past four decades Do Iran's laws meet international standards in the protection of human rights? In the form of a hypothesis, he believes that the constitution, emphasizing human dignity and the rights of the nation as a divine human obligation, promises a special model from the perspective of Islam.

Keywords: human rights, constitution of the Islamic Republic of Iran, Islamic revolution, human dignity, Islamic rights.

¹Instructor, Department of Social Sciences and Law, Payam Noor University, Tehran, Iran.

تاثیر حقوق بشر بر سیاست گذاری عمومی در جمهوری اسلامی ایران: چالش ها و سیاست های پیشنهادی

حسین خورشیدی^۱
 تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۵
 تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۳

چکیده

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران شاهد شکل گیری ساختاری از نظام حقوقی و حکومتی هستیم که بر اساس اصول و قوانین اسلامی پی ریزی شده و مبنای پارادایمی است که حقوق ملت را بر مبنای ارزش های دینی شکل داده است. قانون اساسی به عنوان مهم ترین سند حقوقی هر کشور که چارچوب نظام حقوقی جامعه را شکل می دهد، جلوه و منظر چنین حقوق و ارزش هایی است. قانون اساسی با توجه به کرامت انسانی در اسلام حقوق مختلف (مدنی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی را برای ملت به رسمیت شناخته است، که با توجه به مبنای این حقوق، می توان قائل به حقوق بشر اسلامی به مثابه الگویی تئوریزه شده بر اساس ارزش های اسلامی شد. امروزه حقوق بشر یکی از مسائل اساسی برای همه ملت هاست؛ اهمیت این مساله تا آنجاست که مشروعیت و مقبولیت دولتها بستگی به چگونگی حمایت از این حقوق دارد. ضمن اینکه چالش های حقوق بشری همواره به عنوان محملی برای اعمال فشار بیشتر بر ایران در چهار دهه گذشته مطرح بوده است فلذا این مقاله با طرح این سوال که جایگاه و نوع تبیین حقوق بشر در قانون اساسی چگونه تبیین می شود؟ آیا قوانین ایران در حمایت از حقوق بشر از استانداردهای بین المللی برخوردار است؟ در قالب فرضیه معتقد است که قانون اساسی با تأکید بر کرامت بشر و حقوق ملت به عنوان یک واجب الهی انسانی نویدبخش الگویی خاصی از منظر اسلام است. در این راستا مقاله حاضر سعی دارد با مطالعه بر منشأ پیدایش حقوق بشر و به ویژه ایران، به بررسی موانع، تنگناها و چالش ها در این موضوع بپردازد.

کلیدواژگان: انقلاب اسلامی، حقوق اسلام، حقوق بشر، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کرامت انسانی.

از آنجایی که حقوق بشر از مسائل اساسی و بنیادین بوده و حمایت از حقوق بشر در چارچوب نظام حقوقی هر کشور تحقق می یابد و نیز مهم ترین منبع حقوق و اساس و بنیه نظام حقوقی یک کشور، قانون اساسی آن کشور است باید میزان و نوع توجه به مقوله مزبور را در قانون اساسی آن کشور مورد مذاقه و بررسی قرار داد (شعبانی، ۱۳۸۳: ۲۵ - ۶). پس از پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط رژیم پهلوی، یکی از مهمترین مسائل تدوین قانون اساسی جهت حمایت از ارمان های انقلاب و حفظ و حراست و حمایت از حقوق ملت بود. بی تردید مهم ترین و بنیادی ترین مبحث قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مربوط به آزادی ها و حقوق مردم (حقوق بشر) است که در قانون مزبور تصریح و حکومت ملزم به رعایت، حفظ حرمت و حراست و نگاهبانی از این حقوق است زیرا پشتوانه سربلندی عظمت و عزت یک ملت بوده و حارس و ناظر بر کرامت و شرافت انسانی است. به طور کلی تجلی حقوق بشر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را می توان به صورت چهار دسته؛ حقوق مدنی، حقوق اقتصادی و اجتماعی، حقوق سیاسی و حقوق فرهنگی تقسیم بندی نمود که هر یک از اینها حقوق متعددی را شامل می شود. قانون اساسی نشان خواهد داد که چگونه کارگزاران انقلاب اسلامی به بازنمایی و بازخوانی، هویت جدید دینی ملی می پردازند. حقوق ملت یا حقوق مردم که همان حقوق طبیعی انسان هاست ریشه در ادیان الهی دارد و خداوند به طور طبیعی آنها را حق بندگان خویش دانسته و به آنها عطا کرده است و هیچ قدرتی نمی توان این حقوق را از آنها سلب کرد. هرچند برای پیشینه و قدمت حقوق بشر نمی توان آغازی قرار داد، منتها اندیشه حقوق بشر نخستین بار جهت تبیین و تعیین حقوق و وظایف انسان ها در حیطه حقوق طبیعی قرار گرفت که ابتدا توسط فلاسفه یونان باستان (سقراط-افلاطون-ارسطو) طرح و توسط رواقیون نضج گرفت و تفکر حاکم شد. تا رواج مسیحیت که حقوق الهی جای حقوق طبیعی را گرفت و بر حقوق فطری و الهی به عنوان منشا حقوق انسان تاکید گشت و فلاسفه مسیحی و آباء کلیسا فقط حقوق الهی را مورد توجه قرار دادند. تا قرن ۱۷ و ۱۸ که بعدا فلاسفه به حقوق طبیعی رجعت نمودند که پیشرفت های علمی به خصوص علوم تجربی مورد توجه بیشتر به این حقوق گشت. منتها در پرتو تحولات جدید به خصوص نسبیت گرایی علمی و فرهنگی و عدم وجود معیار و میزان ثابت در سنجش و ارزیابی امور، خلا یک معیار و ضابط مشخص و استوار و مبتنی بر فطرت در شرایط حاکمیت لایسسته احساس می شد که تعالیم مذهبی می توانست چنین خلائی را پر نماید. از انجائیکه شکل و ساختار قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بر پایه دین استوار بوده شکل گیری

مفاهیم و پارادایمی از حقوق بشر را نشان می دهد که مبنای آن ارزش های دینی بوده است. این تجربه عظیم محقق حاکمیتی بر اساس الگوی ارزش های اسلامی و مدعی حقوق عالی برای بشر براساس آموزه های اسلامی است. از انجائیکه قانون اساسی با تاکید بر حفظ کرامت بشر و حقوق ملت به عنوان یک واجب الهی انسانی، نویدبخش الگوی خاصی از منظر اسلام است. الگویی که علاوه بر جایگاه احکام اسلامی، مصادیق حقوق بشر را در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مدنی در خود متبلور ساخته است. در همین راستا مقاله مذکور بعد از واکاوی مفاهیم اصلی مانند حقوق بشر و کرامت انسانی در قسمت نخست به بررسی ابعاد توجه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به حقوق بشر و مصادیق آن می پردازد.

۱- مفاهیم

۱-۱ مفهوم حقوق بشر:

حقوق بشر از زمره حقوقی است که هرکسی از آن حیث که انسان است، از آن برخوردار می شود، همه آنها در آن سهیم اند، صرف نظر از حقوق و تکالیفی که یک فرد ممکن است به عنوان شهروند، عضو خانواده، کارگر یا عضو یک سازمان یا انجمن حقوقی داشته باشد و در واقع حقوق بشر نسبت به همه بالسویه است. به تعبیر دیگر حقوق بشر مفهومی است که به آسانی نه تنها از سوی حقوقدانان، بلکه از سوی سیاستمداران و به طور کلی تر از سوی عموم مردم در سطح وسیعی مورد استفاده قرار می گیرد. و با استناد به آن ادعاهایی ابراز و انتقادهایی نیز صورت می گیرد. تدوین اصول و مبانی حقوق بشر و فرهنگ احترام به حقوق بشر و رعایت اجرای آن برای همه دولت ها امری ضروری است. از همان زمان تدوین منشور و تشکیل سازمان ملل متحد برداشت های متفاوتی از آن به وجود آمده است. زیرا حقوق بشر گرچه محصول تمدن جدید و مدرنیته است ولی اینکه بخواهیم آن را در قالب یک تمدن خاصی محدود نماییم صحیح نمی باشد. برای نمونه حقوق بشر حقوقی است که هر انسانی به موجب شخصیت و کرامتش داراست. حقوق بشر برگرفته از احکام نظام های ارزشی اخلاقی و مذهبی است. از نقطه نظر قانونی نیز می توان حقوق بشر را قسمتی از حقوق فردی و جمعی و به رسمیت شناخته شده توسط دول مستقل و مندرج در قانون اساسی و در قوانین بین المللی دانست (Manfred, 2005:2). حقوق بشر مجموعه قوانین و مقرراتی است که به تنظیم حقوق انسان ها در زمان صلح می پردازد و آن را مربوط به تمام مردم و در تمام زمان ها می داند و معتقد است از نظر تحلیل فلسفی، حقوق بشر ناظر بر قوانین انسانگرایانه و به تعبیر دیگر انسان محورانه (اومانستی) است (محقق

داماد، ۱۳۸۳؛ ۸۳). همچنین حقوق بشر مجموعه امتیازات متعلق به افراد یک جامعه و مقرر در قواعد موضوعه است که افراد به اعتبار انسان بودن و در روابط خود با دیگر افراد جامعه و با قدرت حاکم، و با تضمینات و حمایت های لازم از آن برخوردار است (هاشمی، ۱۳۸۴؛ ۶۴). حقوق بشر، حقوق بنیادین و پایه ای است که هر انسانی از آن نظر که انسان است فارغ از رنگ، نژاد، ملیت، قومیت، زبان و جغرافیا از خداوند دریافت کرده است. لذا اولاً: حقوق جهانی است. ثانیاً: هدیه الهی است و هیچ مقام بشری اعم از پادشاه، حکومت یا مقلدات مذهبی و یا سکولار این حقوق را اعطاء نمی کند و از همین رو نمی تواند آن را سلب کند. براساس برداشت نسبتاً جدید از حقوق بشر، انسان ها از این جهت که انسانند دارای حقوقی هستند نه از این جهت که شهروند دولتی خاص باشند) (Brown 2007: 506-521). این برداشت جایگاه حقوق بشر را در سطح جهانی ارتقا داده و آن را به یک مساله اساسی و هدف مهم برای همه دولت ها تبدیل کرده است. برای تحقق این هدف نظم حقوقی بین المللی به عنوان یکی از تعهدات اصلی دولت ها در آمده است. این روند که از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر آغاز و تاکنون میثاق های زیادی را به همراه داشته است توانسته است دولت ها را بر مبنای یک اجماع بین المللی به ایجاد سازوکارهای مناسب راهبری نماید. این هنجار نه برای تحکیم حاکمیت دولت ها بلکه برای کنترل قدرت حاکمیت و نحوه رفتار حاکمان با مردم بر مبنای اصول انسانی و اخلاقی به وجود آمده است (تاموشات، ۱۳۸۶؛ ۲۰). در این ارتباط باید گفت حقوق پذیرفته شده از سوی همگان، پاسخ ضروری و طبیعی بر تهدیدات نوین علیه ارزش های والای انسانی است. همچنین اعلامیه جهانی حقوق بشر واکنش حداقلی برای پوشش دادن به ارزش های انسانی و فرهنگی مشترک و تهدیدات خاص نسبت به کرامت بشر است و فرض می شود که این حقوق در سطح جهانی اعمال می شود (Donnelly 2003: 124-125).

۲-۱ جایگاه حقوق بشر

در سال ۱۹۴۵، یعنی پس از جنگ جهانی دوم، با تحولاتی که در اوضاع اجتماعی جهان به وجود آمد. در نتیجه، منشور ملل متحد به تصویب اکثر کشورهای جهان رسید، و تا حدودی به همت علمای صاحب نظر ثابت گشت که انسان از لحاظ نظری بنیانگذار جامعه بین المللی لقب گرفته و مقدمه منشور با نام (مردم ملل متحد) گشوده شود و سپس از ایمان آنان به حقوق اساسی بشر و به حیثیت و شأن انسان و تساوی حقوق مرد و زن و همچنین ملت ها، اعم از بزرگ و کوچک سخن به میان بیاید (فلسفی، ۱۳۷۴؛ ۱۲۶).

رشد حقوق بشر در جامعه بین المللی نتیجه ای دیگر نیز داشته و آن مطرح شدن شخصیت بین المللی بشر است: از آن هنگام که دولت ها با انعقاد معاهدات مختلف بین المللی خود را متعهد به رعایت حقوق بشر کرده اند، هر فرد به اعتبار شخصیت مستقلی که پیدا کرده، توانسته که خود مستقیماً یا از طریق مراجع مختلف بین المللی (اداری، سیاسی، قضائی) رسماً از دولت ها بخواهد که به این حقوق احترام گذارند و از موازین آن تخطی ننمایند. ناگفته نماند که در بعضی از دموکراسی های غربی که خود را سخت پایبند به اصول اولیه حقوق بشر و آزادی های اساسی دانسته اند، در مواردی به حریم این حقوق تجاوز کرده اند: وقایعی که در این دهه در پهنه سرزمینی این قبیل دولت ها رخ داده همه حاکی از آن است که حقوق بشر به زعم ظواهر حکومتی آن دولت ها، هنوز منزلتی واقعی پیدا نکرده است (همان، صص ۱۲۶-۱۲۷).

۳-۱ مفهوم کرامت انسانی

دومین مفهوم اصلی در مقاله حاضر مفهوم کرامت انسانی است. ماموریت پیامبران الهی از سوی خداوند، رعایت کرامت انسان و احقاق حقوق مردم و زدودن غل و زنجیرهای رقیب و بندگی از دست و پای آنها است. به ویژه پیامبر اکرم (ص) که «پیامبر رحمت» و «رحمت برای جهانیان» لقب گرفت. در اندیشه اسلامی، پیام و دعوت و رحمت پروردگار متعال برای تمام بشریت، بر پیامبر نازل شده است. این نوع از کرامت در اصطلاح عبارت است از جایگاه و منزلتی که انسان در میان هموعانش از ان بهره مند است. کرامت و بزرگی انسان را یا می توان ناشی از نعمات خدادادی مثل عقل و اندیشه، فطرت خداجو، توانایی های روحی و جسمی دانست یا از سعی و پشتکار خود انسان و استفاده صحیح از نعمات خدادادی (طاهری، ۱۳۸۴؛ ۱۱۳). از دیدگاه علامه طباطبائی، تکریم ان است که چیزی را مورد عنایت خاص قرار دهیم و او را به چیزی که مختص اوست و در دیگری یافت نمی شود ارج نهمیم (سلیمی زارع؛ قاضی زاده، ۱۳۸۶؛ ۷۶۸). بدون تردید کرامت انسان از ویژگی های نهفته در اوست. به بیان دیگر، انگیزه های غریزی معطوف به شناخت، تدین، تکامل و تخلق به اخلاق فاضله نیز توانمندی عقلی و ارادی وی در تکوین کرامت انسانی موثر هستند (تسخیری، ۱۳۸۵؛ ۱۱۹). بر همین اساس نیز دو نوع کرامت ذاتی و اکتسابی قابل شناسائی است که مورد اول ناشی از فطرت و طبیعت بشر و مورد دوم برآمده از عنایت الهی است که البته مبنای حقوق بشر در اسلام و به تبع آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر همین مفهوم است.

۲- سیر تحول حقوق بشر در ایران

۲-۱ نگاه اسلام به حقوق بشر

حقوق اسلامی یکی از نظام های بزرگ حقوقی دنیا است. مسلمانان بر مبنای قران و سنت به تنظیم اجتماع پرداخته و نظم نوینی را بر مبنای ان در زمینه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حقوقی ایجاد نموده اند و مسائل حقوقی و احکام معاملات و تجارت و روابط شخصی را با توجه به رهنمودهای کتاب و سنت برقرار کردند. حقوق اسلامی برگرفته از منابع اسلامی یعنی کتاب، سنت و سیره، عقل و اجماع بوده و جهت این حقوق در راستای اداره و مدیریت جامعه اسلامی بر مبنای عدل و قسط بوده است. آزادی و برابری انسان ها در سایه اعتقاد به وحدانیت و قدرت تامه خداوند تحقق می یابد که ضامن اجرای اصول برابری، آزادی و برادری است؛ مخصوصا اذعان به عظمت و وحدانیت خداوند، اعتقادی در انسان به وجود می آورد که عامل بازدارنده ای در تسلیم به بردگی و اسارت و موجد مقاومت انسان در مقابل ظلم و ستمگری و تجاوز است. اعتقاد به عظمت و قدرت خداوند، فکر تساوی و آزادی بشر را در ذهن هر مسلمان پدید می آورد و غریزه تجاوز و بهره کشی از انسان دیگر را در وجود او سرکوب می کند، بی تردید این خصوصیت یکی از امتیازات عمده دین مبین اسلام و اصول یکی از تجلیات عالی تمدن بشری است (بوازار، ۱۳۵۷؛ ۶۳-۵۵).

اساس مبارزه پیامبران و بزرگان دینی در طول تاریخ در جهت درهم شکستن و امتیازات طبقاتی و مفاخرات و برتری جویی های ناشی از قومیت، نژاد و ثروت و غیره و ارزش دادن به شخصیت ذاتی انسان و آزادی او بوده است. عبارت معروف حضرت علی(ع) که می فرماید: بنده دیگری مباش درحالی که خداوند تو را آزاد افریده است. تاکید بر توجه دادن انسان به ارزش ذاتی خود و نفی اسارت و بردگی او به هر شکل ممکن است (مهرپرور، ۱۳۷۴؛ ۳۷). در فقه اسلامی، دو واژه دین و حقوق به هم آمیخته اند و این سیستم قانونی براساس معنویت پایه گذاری شده است و قانونگذار نخست، پروردگار عالم است که با نزول کتاب کریم و یا با زبان پیام اور خود تشریح و قانون گذاری نموده است و از این حیث، قانون اسلام با قوانین غربی و قوانین جدید که صرفا ناشی از دولت است جدایی پیدا می کند (محمصانی، ۱۳۵۸؛ ۲۱۹). اسلام با پیوند زمینه های گوناگون زندگی و به ویژه عدالت و حقوق بر آن است که با ایجاد انسجام و سازگاری درونی، با نظام حقوقی خود را پیراسته و استوار سازد. در اینجا می توان مفهوم ان روایت شکوهمند امام صادق (ع) را فهمید که فرمودند: «پروردگارا، در همه حالات و رفتارهای یک انسان، وظیفه شناسی تجلی می کند؛ انسانی که به حقوق دیگران احترام می گذارد (جوادی آملی، ۱۳۸۱؛ ۲۵). با توجه به مزایای حقوق اسلامی که فوقا به ان اشاره شد، اصول کلی و مبانی را که در منابع اسلامی ناظر به حقوق بشر هستند را می توان در موارد ذیل بیان

نمود: انسان در مقابل پروردگار خویش و نعمات وی مسئولیت هایی دارد. یکی از مبانی حقوق بشر در اندیشه اسلامی پیوند خاص انسان با جهان و وظیفه ای است که او نسبت به نعمات پروردگار در این جهان دارد. اسلام برای همه اعضای خانواده جهانی پیامی دارد و ان را مخاطب خویش دانسته و مدعی ارائه نظامی حقوقی و اعتقادی صالح برای جهانیان است که همچنین بر احترام بر عهد و سوگندها پافشاری می کند (شادان، ۱۳۸۵؛ ۵۱-۳).

۲-۲ حقوق بشر ایران در قرون اخیر

کشور ایران، به دلیل پاره ای موضع گیری های تاریخی انسان دوستانه و فراگیر و نیز تعالیم ارزشمند ادیان الهی، به ویژه زرتشت و اسلام، با مفهوم کرامت انسانی که زینت بخش «حقوق بشر» امروزی است، آشنایی دیرین دارد. درک این مراتب در دیوان اشعار شعرای گرانقدری چون مولوی و سعدی نشان دهنده تداول مضمون ارزشمند «حقوق بشر» در فرهنگ و آداب و رسوم ایرانیان می باشد. اما تاریخ سیاه استبداد حکمرانان در این سرزمین، همانند دیگر نقاط دنیا، حکایت از تضييع حقوق مردم دارد. البته، در این میان نهضت های آزادی خواهانه از جمله دو انقلاب مشروطه (۱۳۲۴ قمری) و اسلامی (۱۳۵۷ شمسی) را نمی توان نادیده گرفت.

۲-۳ حقوق بشر در اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

بر مبنای قانون اساسی ایران، حکومت، نظامی است مذهبی که بر مبنای اعتقاد به توحید و وحی الهی و باور به روز واپسین و عدل الهی و امامت، پدید آمده (اصل دوم قانون اساسی) و کلیه قوانین و مقررات آن باید براساس موازین اسلامی باشد (اصل ۴ قانون اساسی) دین رسمی ایران طبق اصل دوازدهم، اسلام و مذهب جعفری اثنی جعفری است که البته مذاهب دیگر اسلامی نیز مورد احترام هستند و ادیان مسیحی، یهودی و زرتشتی نیز به عنوان اقلیت های مذهبی رسمی به رسمیت شناخته شده اند. طبق قانون اساسی، در عین حال که حکومت جمهوری اسلامی ایران یک حکومت دینی و مذهبی است، متکی به آراء مردم است و طبق اصل ششم، امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود و نظر و رأی مردم با شرکت در انتخابات مختلف؛ مانند ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، شوراهای مختلف (روستا، شهر، شهرستان و استان) و حتی در انتخاب مقام رهبری با شرکت در انتخابات مجلس خبرگان، نقش و اعتبار دارد (مهرپور، ۱۳۷۷؛ ۳۶۴).

قانون اساسی نه تنها در موارد ذیربط بلکه حتی در مقدمه قوی، وزین و غنی خود نیز به حقوق بشر توجه نموده است (شریفیان، ۱۳۸۰؛ ۳۴۲). بنابراین مفهوم حقوق بشر در قانون اساسی و گفتمان اسلام سیاسی بر محوریت توحید و در رابطه متقابل مسئولیت و تکالیف بشر در قبال خداوند مورد پذیرش قرار

می‌گیرد. این امر هرچند حقوق بشر غربی را در اکثر موارد نفی می‌کند ولی به معنای بی تفاوتی و عدم اهتمام گفتمان اسلام سیاسی نسبت به دال حقوق بشر نیست بلکه اسلام سیاسی تلاش می‌کند تا نشانه حقوق بشر را بر محوریت دال مرکزی اسلام و اصالت خداوند توحید محوری در مفصل بندی گفتمانی خود وارد کند (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۶۴؛ ۱۶۳). بنابراین در فرایند تثبیت نظام سیاسی- اجتماعی پس از انقلاب و ساختار حقوقی جدید با قانون اساسی تدوین و تصویب شده و در جای جای ان بارها بر مقررات اسلامی تاکید شده است و در بیان مبانی جمهوری اسلامی به عنوان نظام حکومتی جدید در ایران نیز اگرچه کرامت و ارزش والای انسان به عنوان مبانی ششم در اصول دوم قانون اساسی ذکر شده ولی در همین بند، آزادی و کرامت والای انسانی توأم با مسئولیت او در برابر خداوند تعیین گردیده است (ضیایی فرد، ۱۳۸۴؛ ۷-۲۰۶).

۳- تبیین دیدگاه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در حقوق بشر

حمایت از حقوق بشر در چارچوب نظام حقوقی هر کشور تبیین و محقق می‌شود. و از آنجائیکه مهمترین منشا حقوقی هر کشور، قانون اساسی آن کشور است، میزان توجه و اهتمام به این مقوله را باید در قوانین اساسی کشورها جستجو کرد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز ویژگی خاصی دارد و آن رویکرد دینی-اسلامی این قانون است که حقوق ملت با تفاسیر خاص خویش را ارائه می‌نماید. کرامت انسانی به عنوان دال مرکزی حقوق بشر از منظر اسلام و قانون اساسی حقوق مختلفی من جمله حقوق مدنی، حقوق اقتصادی و اجتماعی، حقوق فرهنگی و حقوق سیاسی را به عنوان دال های شناور و در تضمین کرامت انسان موجب می‌گردد

۱-۳ هماهنگی حقوق اسلام با نیازهای بشری معاصر

دارا بودن قواعد کلی و فراگیر مانند آزادی، آزادگی، نفی ضرر، احترام به افکار و عقاید و کرامت انسانی، حفظ و پاسداری از جان انسان ها، حفظ نظام اسلامی، تقدم صلح و اخلاق حسنه، عمل به پیمان ها و تعهدات و اصولی چون اصل اقتدار اسلامی، اصل عدالت خواهی و غیره (چوپانی یزدلی، ۱۳۸۴؛ ۹۲). در قرآن کریم در باب آزادی و مصادیق آن و منع تحمیل به آیات متعددی بر می‌خوریم که می‌توان به آیاتی همچون زمر آیات ۱۷ و ۱۸، بقره آیه ۲۵۸، نحل آیه ۱۲۴، کهف آیه ۲۸ اشاره نمود. همچنان که در نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی نیز اصل آزادی به عنوان یکی از حقوق حقه مردم و از لوازم کرامت انسانی مورد عنایت قرار گرفته است. امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: «آزادی مال مردم است؛ قانون آزادی داده، خدا آزادی داده به مردم، اسلام آزادی داده، قانون اساسی آزادی داده به مردم» (امام خمینی، ۱۳۷۲؛

۱۲۲). همچنین ایشان در جای دیگری می‌فرمایند: «اسلام اختناق نیست. در اسلام آزادی است برای همه طبقات برای مرد، برای زن، برای سیاه، برای سفید، برای همه» (چوپانی یزدلی، ۱۳۸۴؛ ۹۲). قرآن مسئله آزادی را در قالب توحید بیان می‌کند و به تقید و تعهد و التزام انسان به اطاعت از فرمان خدا و نفی مطلق اطاعت غیرخدا... دعوت می‌کند. خداپرست واقعی یک انسان آزاد است که در برابر هیچ قدرتی سر تعظیم فرو نمی‌آورد (عمید زنجانی، ۱۳۶۲؛ ۲۴۱). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول ۳۲ و ۳۴ آزادی بیان و عقیده را مورد تایید و تاکید قرار می‌دهد. در باب آزادی بیان و عقیده، نکته ای که باید روشن شود بحث ارتداد است که ممکن است چنین شبهه شود که اسلام با این حکم، مخالف آزادی فکر و عقیده و بیان است اما برخی از نویسندگان چنین تحلیل می‌کنند که مجازات ارتداد مرگ نیست. زیرا اسلام هرگز نمی‌خواهد عقیده ای را به اجبار تحمیل کند با این همه در مورد منافقانی که با دشمن کنار آیند و نظم و امنیت جامعه مسلمان را برهم زنند، مجازات اعدام پیش بینی شده است. به دستور پیامبر(ص)، افراد از دین برگشته ای که با منافقان در مبارزه با حکومت اسلام همکاری کنند، باید اعدام شوند (بوازار، ۱۳۵۷؛ ۹۴). مطبوعات به عنوان رکن دیگری از مردم سالاری و طلایه دار نقد حکومت و دولت و به معنای دقیق کلمه نقد قدرت همیشه طرفدار آزادی بوده اند. آزادی مطبوعات مثل هواست برای انسان. همچنان که انسان بدون هوا می‌میرد، بدون آزادی نیز درخت مطبوعات، طراوت و شادابی و حتی جان خود را از دست می‌دهد (بهرام پور، ۱۳۸۰؛ ۱۴۲). امام خمینی (ره) در این باره می‌فرمایند: مطبوعات باید مثل معلمینی باشند که مملکت و جوانان را تربیت می‌کنند و آرمان ملت را منعکس می‌کند (امام خمینی، ۱۳۷۲؛ ۱۹۱). در باب امنیت اقتصادی نیز قانون اساسی توجه ویژه ای دارد. امنیت اقتصادی عبارت است از میزان حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم یک جامعه از تامین کالا و خدمات و هم از مجرای عملکرد داخلی و هم حضور در بازارهای بین المللی. در همین راستا قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت را به پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع خط فقر و برطرف ساختن و رفع هرگونه محرومیت در زمینه های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت، بیمه، تامین خودکفائی در علوم و فنون و صنعت و کشاورزی موظف کرده است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵؛ ۳۶-۸).

دبیاچه قانون اساسی، اصل بر رفع نیازهای انسانی در طی رشد و تکامل خویش گذاشته و با تکیه بر وسیله نه هدف بودن اقتصاد، زمینه سازی برای بروز خلاقیت های متفاوت انسانی را سرلوحه برنامه اقتصاد اسلامی قلمداد می‌کند. به همین جهت تامین امکانات مالی و ایجاد کار برای همه و رفع نیازهای

ضروری به منظور ایجاد حداقل برابری اقتصادی به عنوان پشتوانه اصلی حفظ آزادی انسان، تمهیداتی در قانون اساسی جمهوری اسلامی اندیشیده شده است (شفیعی، ۱۳۸۶؛ ۴۴). امنیت قضایی نیز از دیگر مواردی است که به آن توجه شده است. در واقع امنیت قضایی به معنی مصونیت جان، مال، ناموس، حیثیت و شرف و آزادی مردم از هرگونه تعدی و تجاوز است (طباطبائی موتمنی، ۱۳۷۰؛ ۵۰). قرآن کریم یکی از اهداف استقرار حمایت خداوند و استخلاف صالحان و طرح کلی امامت را از عوامل تحقق امنیت معرفی نموده است. آیات الهی با تاکید بر اصل کرامت و ارزش والای انسان بر حفظ حرمت و حریم و امنیت فردی و اجتماعی افراد در حوزه های فردی و اجتماعی و مخالفت با هرگونه تعدی به او پای فشرده اند. این معنا به ویژه از مقام عالی ای که خداوند برای انسان قائل است بهتر فهمیده می شود (طباطبائی موتمنی، ۱۳۸۰؛ ۱۹۰).

۲-۳ مفهوم حقوق سیاسی

حقوق سیاسی یا حقوق شهروندی حقوقی هستند که براساس ان افراد بتوانند در اداره سیاسی کشور سهیم باشند و اراده خود را اعمال نمایند. نگاهی به ماهیت مذهب شیعه، این نکته را می رساند که مذهب شیعه امامت محور است و امت در تمامی جوانب امور سیاسی و اجتماعی، حق و تکلیف مشارکت دارد و بنابراین ارزش های مردم سالارانه در چهارچوب جمهوری در متن و بطن اسلام شیعی وجود دارد، ارزش هایی که از این مذهب، حالت جدانشدنی دارد (خواجه سروی، ۱۳۸۲؛ ۱۹۰). در اسلام، حکومت فردی و استبدادی مردود شمرده شده است چرا که اسلام حکومت مردم و قانون است. در اسلام حکومت هدف نیست بلکه وسیله ای در جهت تحقق بخشیدن به اهداف عالی است و این حکومت نه تنها متعلق به مردم است بلکه مقبولیت خود را نیز از مردم می گیرد. چرا که بدون مردم و نقش آنان، حکومت موضوعیت پیدا نمی کند و تشکیل نمی گردد (داستانی و پروین، ۱۳۸۵؛ ۸۶).

تجربه دموکراسی در ایران و به نوعی کلی، نوگرایی دینی-سیاسی در جهان اسلام با مفهوم شورا شروع شده و با آن پیوند دارد، برخلاف دموکراسی غربی که با فردگرایی و حقوق طبیعی آغاز شده است. تجربه دموکراسی در مذهب شیعه، به ویژه با مفاهیم بزرگی چون امامت، غیبت و ولایت به هم تنیده و درهم بافته شده است. منابع فقهی-کلامی شیعه امامت را ریاست عامه در امور دین و دنیا تعریف کرده اند (فیرحی، ۱۳۸۴؛ ۱۳۵). در تجربه جمهوری اسلامی در مفهوم جمهوری شاهد نهادهایی من جمله ریاست جمهوری، نمایندگی مجلس شورای اسلامی، شورای اسلامی شهر و روستا و همه پرسی هستیم و در مفهوم اسلامی شاهد نهادهایی چون ولایت فقیه، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام. اگرچه مردم نباید و نمی توانند منشا اعتبار و

مشروعیت حکومت اسلامی باشند و اساسا حکومت اسلامی تبلور حاکمیت الهی است که در مشروعیت خویش نیازمند اندیشه و رای انسان نیست بلکه مشروعیت آن با اصل آن آمیخته است ولی جریان و عینیت یافتن حکومت اسلامی جز با رای موافق و هم سوی مردم امکان پذیر نیست (ره‌نمایی، ۱۳۸۰؛ ۴۳). حضرت امام خمینی (ره) برای مردم جایگاه و نقش کلیدی در حکومت اعم از شکل گیری، اداره، جهت گیری، اصلاحات و تغییرات حکومت قائل است به نحوی که حکومت به تمامه متعلق به مردم است و نقش مردم در حکومت صوری و اعتباری نیست بلکه همه جانبه و تمام عیار است و حق ایجاد و القاء و اصلاح حکومت برای مردم ثابت است و مردم میزان امور و شاخص اصلی حکومت به شمار می آیند (داستانی و پروین، ۱۳۸۵؛ ۷۶). براساس اصل پنجاه و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دکترین حاکمیت در نظام حقوقی جمهوری اسلامی، روایتی جدید از حاکمیت الهی و مردمی است که بدون تردید وجه ممیزه این قانون اساسی نسبت به سایر قوانین اساسی است (طباطبائی، ۱۳۸۰؛ ۷۶). در قانون اساسی، اسلام به عنوان یک دین و در عین حال یک مکتب و یک ایدئولوژی و طرحی است برای زندگی بشری در همه ابعاد و شئون آن. جمهوری اسلامی یعنی حکومتی که شکل آن را عامه مردم انتخاب کردند و محتوای آن بر اساس مبانی عقیدتی و برنامه ها و طرح های کلی و اهداف اساسی اسلام مبتنی شده است و آنچه که به نام حقوق بشر خوانده می شود، مورد توجه دین اسلام قرار گرفته است و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که از نظر محتوا، اسلامی تلقی می شود بازتاب یافته است. بدین لحاظ قانون اساسی نمونه ای از دموکراسی دینی را نمود می بخشد. در دموکراسی دینی، مشروعیت حکومت دوسویه است؛ یک سوی آن را خداوند متعال و سوی دیگر آن را مردم تشکیل می دهند که با انتخاب حاکم دارای صلاحیت های رهبری بدان مشروعیت می بخشند و به تعبیر دیگر مشروعیت آن را کامل می کند. امام خمینی (ره) مشروعیت الهی را با صبغه مردم سالاری در هم آمیخت و از آن نظریه ای به وجود آورد که ضمن دارا بودن همه عناصر و مولفه های نظام های مردمی، کار ویژه و امتیازات مثبت مشروعیت الهی را نیز در خود جای داده است (قاسمی، ۱۳۷۸؛ ۲۴۷).

۳-۳ تاسیس نهاد ملی حقوق بشر

نهاد ملی حقوق بشر تاسیسی دولت- نهاد اما با ترکیب غیردولتی و کارویژه نظارت بر حکومت است که برخی کشورها در سطح ملی با هدف حمایت از حقوق بشر ایجاد کرده‌اند و جمهوری اسلامی ایران نیز به ایجاد آن (مطابق اصول اعلامیه پاریس) تعهد داده است (طلائیکی طرقی و عطار، ۱۳۹۶، ۲۱). در نظام حقوقی و فقهی ایران به حد کفایت هنجارها و ارزش‌های حقوق بشری

شناسایی و تدوین شده است، اما هنوز ساز و کارهای مشخص و کارآمدی در راستای اعمال، اجرا و نظارت آنها وجود ندارد تا جوابگوی نیازهای روز جامعه باشد.

۳-۱ اصول و اهداف سازمانی نهاد ملی حقوق بشر در ایران
احیای حقوق عامه همان احیای حقوق شهروندی است که به گسترش عدل و آزادیهای مشروع منجر می‌شود. وظیفه نهادهای ملی حقوق بشر نیز براساس اصول اعلامیه پاریس «حمایت و ارتقا» حقوق شهروندی در کشورهاست. هر کشوری می‌تواند با تاسیس نهادهای ملی حقوق بشری، مناسبترین و بهترین روشهای ممکن را مطابق با فرهنگ و سنت جوامع خود برای حمایت و ارتقای حقوق بشر به کار گیرند (غائبی، ۱۳۸۷، ۱۸). بر همین اساس و در گام اول برای بومی‌سازی این نهاد در ایران، می‌توان نهاد ملی را نهاد ناظر بر حقوق بشر (مطالبات مردم از دولت) و متناظر با نهاد متولی امر به معروف و نهی از منکر دولت وسیله مردم دانست. در ایران تاکنون ساختاری بومی برای تحقق جامع این بعد از امر به معروف و نهی از منکر پیش‌بینی نشده است، نهاد ملی حقوق بشر می‌تواند الگوی مناسبی برای آن باشد.

۴- ابعاد چالش سیاسی جمهوری اسلامی ایران با

هنجارهای حقوق بشری

۴-۱ علل سیاسی

یکی از چالش‌هایی که همواره کنش سیاست خارجی ایران در نظام بین الملل را تحت تأثیر خود قرار داده، نوع روابط سیاسی ایران با کشورهای غربی به خصوص آمریکا است. به بیان دیگر یکی از دلایل وجود چنین چالش‌هایی به موضوعیت یافتن مباحث حقوق بشری در حکمروایی جهانی بازم یگردد. امروزه در بسیاری از سنت‌ها به خصوص دیدگاه ایدئولوژیکی و فرهنگی، ایده و پدیده حقوق بشر طنین انداخته است؛ به گونه‌ای که در نظام ملل متحد نیز از بسیاری از هنجارهای حقوق بشری و اعمال حمایت دموکراتیک، حمایت رسمی به عمل می‌آید. شاید بتوان این گونه گفت که حقوق بشر در قرن ۲۱ تبدیل به یک زبان بین المللی شده و دیگر آنکه در طول تاریخ، زمانه این چنین شاهد اهمیت گذاری به نیازهای حقوق بشری نبوده است (محمدی و سجادپور، ۱۳۹۱؛ ۲۴۴).

۴-۲ علل حقوقی

مسئله دیگری که قابل بحث و بررسی است چالش‌های حقوقی مسئله حقوق بشر و اختلافات موجود در این حوزه است. از منظر حقوق بین الملل، یکی از مهمترین مباحث مطرح در حوزه رفتار حقوق بشری ایران به نحوه پذیرش این هنجارها از طرف جمهوری اسلامی ایران بازمی‌گردد. همانطور که می‌دانیم

راهبردهای جمهوری اسلامی ایران استفاده از حق شرط برای پذیرش
 هنجارهای حقوق بشری بوده است. براساس برخی پژوهش‌ها، مسئله
 مشروعیت حق شرط‌های ایران بر کنوانسیون‌ها همواره یکی از موارد چالش
 برانگیز ایران و جامعه بین‌المللی بوده است (آذری و طباطبایی حصاری،
 ۱۳۹۶؛ ۱۲-۱۳).

۳-۴ علل فناورانه

مسئله دیگر در این باره، به نقش ابزارهای ارتباطی و انقلاب در عرصه فناوری
 اطلاعات بازمی‌گردد. امروزه با بهره‌گیری از ظرفیت این رسلنه‌های فراگیر
 می‌توان در کمترین زمان ممکن، حجم قابل توجهی از اطلاعات را در گسترده
 وسیعی از زمان و فضا منتشر کرد. جهانی شدن استفاده از رسانه‌های اجتماعی
 و نیز شبکه‌های اجتماعی موجب شده است تا اخبار و اطلاعات به سرعت به
 گوشه و کنار جهان منتقل شود. بنابراین برخی اقدامات در عرصه عمومی این
 امکان را دارد که به سرعت به عنوان یک مسئله حقوق بشری مطرح شود و
 همین امر زمینه ساز چالش‌های جدیدی برای دولت‌ها شده است (فروغی نیا،
 ۱۳۹۱؛ ۱۸۳-۱۸۴). از این رو رسانه‌ها یکی از عناصر تأثیرگذار در برجسته
 سازی مسئله حقوق بشر به شمار می‌روند.

۴-۴ علل فرهنگی

مبنای فکری غرب در زمینه حقوق بشر بر پایه اصالت انسان قرار دارد. در این
 تفکر انسان حاصل تکامل بوده و موجودی خودساخته است که می‌تواند در
 زندگی خود و جهان هستی هر تغییری ایجاد کند. در اندیشه سکولاریسم،
 انسان، محور تمام چیزها قرار می‌گیرد و با نگاهی دئیستی به جهان هستی،
 غایت و هدف اصلی انسان را ارضای امیال و تحقق اراده این جهانی انسان می
 داند. بر این اساس، انسان یگانه مرجع تعیین و تشخیص غایات خویش و
 مستقل از هرگونه نیروی ماورای طبیعی و فراانسانی و تنها معیار ارزیابی هر
 غلیت، حقیقت و ارزش به شمار می‌رود (عمار، ۱۳۹۰؛ ۱۶۵). حال آنکه در
 رویکرد اسلامی اصل، تفکر توحیدی است و همه چیز گرد وجود توحید شکل
 می‌گیرد. بنابراین مسئله تعالی انسان اهمیت می‌یابد و حقوق بشر نیز با نگاهی
 به ضرورت تعالی بشر تعریف می‌شود. بر این اساس، تعریف غرب از نوعی
 تقلیل‌گرایی انسان حکایت دارد.

نتیجه گیری و ارائه پیشنهادات:

نتیجه گیری:

بعد از انقلاب اسلامی، حقوق بشر به یکی از چالش های جدی ایران و غرب تبدیل شده است و کشورهای غربی، مدعی نقض حقوق بشر از سوی ایران شده اند؛ این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب اسلامی با اهتمام به حقوق اسلامی و در چارچوب مبانی اسلام، قانون اساسی و دیگر قوانین خود را تنظیم کرده و در این مسیر تلاش های وسیعی در تحقق و پیشبرد حقوق بشر کرده است. نظام دموکراتیک در ایران بعد از انقلاب اسلامی و بر مبنای یک عقلانیت اسلامی شکل گرفت که از آن به عنوان مردم سالاری دینی یاد می شود. این دموکراسی بر مبنای سکولاریسم و لیبرالیسم نیست، بلکه مبنای دینی دارد و همچنین در اداره امور و انتخاب مسوولین مبتنی بر اصل نمایندگی است. به جرات می توان گفت ایران تنها کشور دموکراتیک در منطقه خاورمیانه می باشد. اما متأسفانه برخی کشورها از واژه مقدس حقوق بشر و سازمان های بین المللی به عنوان ابزار سیاسی علیه ایران اسلامی استفاده می کنند و چشمان خود را بر روی نقض گسترده حقوق بشر در کشورهای متحد و دوست خود می بندند. حقوق بشر از نظر هنجاری، ساختاری و رفتاری مورد توجه است. از نظر هنجاری، حقوق بشر مطلق به حق طبیعی انسان هاست و از نظر ساختاری حقوق بشر بستگی به نظام سیاسی و ساختار اجتماعی و نیز از نظر رفتاری حقوق بشر بستگی به فرهنگ جامعه دارد. به نظر می رسد که ریشه اصلی تقابل غرب و ایران در این حوزه ناشی از تعارض جهان بینی و مبانی حاکم بر حقوق بشر اسلامی و غربی است. اعلامیه جهانی حقوق بشر بر اساس مبانی غربی، که اغلب با اصول و مبانی دین اسلام در تعارض است، تنظیم شده است و از این رو اجرای تمام اصول آن امکان پذیر نیست. صرف نظر از این موضوع، پرونده غرب در زمینه حقوق بشر نشان از این مسئله دارد که پیگیری حقوق بشر تحت تأثیر سیاست ها و منافع قدرت های بزرگ غربی قرار دارد و در این میان برخی کشورها و از جمله ایران، که مخالف سیاست ها و روش های جاری نظام بین الملل هستند از سوی غرب به نقض حقوق بشر متهم می شوند. کشورهای غربی با هدف زیر سؤال بردن دستاوردهای انقلاب اسلامی و جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی به دیگر کشورها، ایران را به نقض حقوق بشر متهم کرده اند؛ بنابراین به نظر می رسد از بین بردن چالش ها در این حوزه به حل تعارضات ایران و غرب در عرصه های کلان سیاسی بستگی دارد. برخی اقدامات همچون تلاش برای اصلاح قانون مجازات اسلامی و تمهید مجازات جایگزین زندان، تدوین و اجرایی کردن قانون صیانت از حقوق شهروندی، ایجاد فضای بازرسانه ایی برای فعالیت روزنامه نگاران و...

می تواند به عنوان راهکاری برای برون رفت از مشکلات به عنوان راهکارهای کوتاه مدت مطرح باشد. اما سؤال اصلی این است که آیا با انجام این دست از اقدامات شاهد اتمام چالش های حقوق بشری ایران با نظام بین الملل خواهیم بود؟ به نظر می رسد این چالش ها ریشه در سطوح دیگری از علل دارد که تا برطرف نکردن آنها همچنان شاهد تداوم این اختلافات خواهیم بود. از طرفی دیگر راهبردهای موجود در علل سیاسی، اجتماعی، حقوقی از تحلیل بر چند حوزه اقدام تمرکز دارد. نخستین اقدام به تغییر در رابطه سیاسی با غرب باز می گردد، چنانچه برخی معتقدند تا زمانی که نوع رابطه سیاسی میان ایران و غرب از حالت تقابل طلبانه به حالت تعامل گرلیانه تغییر نیابد، امکان حل و فصل منازعات در سطوح پایین تر از جمله چالش های حقوق بشری وجود نخواهد داشت. در واقع نوع رابطه سیاسی بین ایران و غرب و به طور ویژه، ایالات متحده آمریکا سایه سنگینی بر دیگر مباحث و اختلافات فی ما بین داشته و تا زمان تداوم وضعیت فعلی، چشم انداز روشنی برای برون رفت از چالش های سطوح پایین وجود ندارد. راهبرد دیگر در این باره به ضرورت تغییر در فضای گفتمانی موجود بین اسلام و غرب از طریق سیاست هایی همچون گفت و گوی ادیان و تمدن بازمی گردد. به نظر می رسد هرچه تعامل نزدیکتری بین مراکز علمی در حوزه موضوعات مورد اختلاف از جمله موضوع حقوق بشر صورت پذیرد، تقارب و همگرایی فکری بیشتری در این زمینه بین جامعه نخبگانی طرفین ایجاد می شود و به جای تصویرسازی های غالباً نادرست رسانه ای از الگوی دینی حقوق بشر، رویکردی عقلایی در این رابطه حکمفرما می شود. لذا توجه به موانع مختلف سیاسی، فرهنگی، حقوقی و اجتماعی برای پیوستن همگانی کشورها به معاهدات حقوق بشری و با در نظر گرفتن این موضوع که کشور عزیزمان ایران مبتلا به این مساله است، ارائه راهکار و یا پیشنهادات جامع و کامل که هم موازین داخلی را حفظ نماید و هم موازین مذهبی و فرهنگی کشورمان را مدنظر داشته باشد و در عین حال ناقض موازین بین المللی شناخته نشده باشد، ضروری به نظر می رسد.

مأخذ:

الف- منابع فارسی

- ۱- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۵)، امنیت سیاسی در اسلام، تهران، کانون اندیشه جوان.
- ۲- آذری، هاجر؛ طباطبائی حصارى، نسرین (۱۳۹۶)، چالش های نظام حقوقی ایران در الحاق به معاهدات حقوق بشری از دیدگاه حقوق بین الملل، نشریه مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۸، ش ۱.
- ۳- بوازار، مارسل (۱۳۵۷)، اسلام و حقوق بشر، ترجمه محسن مویدی، تهران، دفتر نشر خرمشاهی.
- ۴- بهرام پور، شعبانعلی (۱۳۸۰)، مسائل و مشکلات مطبوعات ایران، ماهنامه آفتاب، شماره ۹، ابان.
- ۵- تاموشات، کریستیان (۱۳۸۶)، حقوق بشر؛ ترجمه حسین شریفی طرازکوهی، تهران، نشر میزان، چاپ اول.
- ۶- تسخیری، محمدعلی (۱۳۸۵)، در پرتو قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه محمد سپهری، تهران، مجمع تقریب مذاهب اسلامی.
- ۷- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱)، حقوق بشر در اسلام، مجله رواق اندیشه، شماره ۹، مرداد و شهریور.
- ۸- چوپانی یزدلی، محمدرضا (۱۳۸۴)، مبانی و منابع وضع قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه بصیرت، شماره ۳۵.
- ۹- خواجه سروی، غلامرضا (۱۳۸۲)، خدمات متقابل دین و دموکراسی در ایران، دانشگاه اسلامی، شماره ۲۰، زمستان.
- ۱۰- داستانی بیرکی، علی؛ پروین، ناصر (۱۳۸۵)، سیری در اندیشه های حضرت امام خمینی (ره) در وصیت نامه سیاسی-الهی، تهران، نشر آینده سازان.
- ۱۱- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۶۴)، درآمدی بر حقوق اسلامی، تهران، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، انتشارات اسلامی.
- ۱۲- رهنمایی، سید محمدرضا (۱۳۸۰)، خاستگاه مشروعیت حکومت اسلامی و نقش مردم در آن، نشر معرفت، شماره ۴۳.
- ۱۳- سلیمی زارع، مصطفی؛ قاضی زاده، کاظم (۱۳۸۶)، کرامت انسانی در پرتو قران و روایات، مجله بینات، شماره ۵۳.
- ۱۴- شادان، مهدی (۱۳۸۵)، بررسی و مطالعه تطبیقی حقوق بشر در اندیشه اسلامی و منشور بین المللی حقوق بشر، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- ۱۵- شریفیان، جمشید (۱۳۸۰)، راهبرد جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق بشر در سازمان ملل متحد، چاپ اول، تهران.

- ۱۶- شفیعی، محمد (۱۳۸۶)، اصول گرائی و قانون اساسی، ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر، شماره ۵۵، فروردین.
- ۱۷- شعبانی، قاسم (۱۳۸۳)، حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر اطلاعات.
- ۱۸- ضیایی فر، محمد حسین (۱۳۸۴)، آثار عملی دکترین مهدوی اسلامی ایران در زمینه حقوق بشر، مجله کتاب نقد، شماره ۳۶، پائیز.
- ۱۹- طاهری، ابوالقاسم (۱۳۸۴)، کرامت انسان در اندیشه امام علی(ع)، نشریه پژوهش های دینی، تابستان و پائیز، شماره ۲.
- ۲۰- طباطبایی موتمنی، منوچهر (۱۳۷۰)، آزادی های عمومی و حقوق بشر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۱- طباطبایی موتمنی، منوچهر (۱۳۸۰)، حقوق اساسی، تهران، نشر میزان.
- ۲۲- طلاکی طرقي، اکبر و عطار، محمد صالح (۱۳۹۶)، الزامات و راهکارهای ایجاد نهاد ملی حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران (در پرتو قانون اساسی، حقوق بشر اسلامی، اعلامیه پاریس و رویه کشورها)، فصلنامه دانش حقوق عمومی، ۶ (۱۷): ۲۱-۴۴.
- ۲۳- عمار، محمداسماعیل (۱۳۹۰)، بیداری اسلامی؛ تقابل اسلام سیاسی با سکولاریسم، نشریه معرفت، دوره ۲۰، ش ۹.
- ۲۴- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۲)، مبانی فقهی کلیات قانون اساسی، تهران، انتشارات جهاددانشگاهی.
- ۲۵- غائبی، محمدرضا (۱۳۸۷)، نهادهای ملی حقوق بشر، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۲۶- فروغی نیا، حسین (۱۳۹۱)، بین المللی شدن حقوق بشر و دگردیسی در مفهوم حاکمیت دولتها در عصر جهانی شدن، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال ۱، ش ۱.
- ۲۷- فلسفی، هدایت الله (۱۳۷۴)، تدوین و اعتلای حقوق بشر در جامعه بین المللی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۶-۱۷.
- ۲۸- فیرحی، داود (۱۳۸۴)، شیعه و دموکراسی مشورتی در ایران، مجله حقوق دانشگاه تهران، شماره ۶۷، بهار.
- ۲۹- قاسمی، مهدی (۱۳۷۸)، منشا مشروعیت حکومت اسلامی، مجله علوم سیاسی، شماره ۵، تابستان.
- ۳۰- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۳)، حقوق بشر دوستانه بین المللی، نشریه رهیافت اسلامی، مرکز نشر علوم اسلامی.
- ۳۱- محمدی، فاطمه؛ سجادیپور، سیدمحمدکاظم (۱۳۹۱)، حقوق بشر و سیاست خارجی؛ چهارچوب های مفهومی و عملیاتی، راهبرد، ش ۶۳.

- ۳۲- محمضانی، صبحی (۱۳۵۸)، فلسفه قانونگذاری در اسلام، ترجمه اسماعیل گلستانی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۳۳- مهرپرور، حسین (۱۳۷۴)، حقوق بشر در اسناد بین المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات اطلاعات.
- ۳۴- مهرپرور، حسین (۱۳۷۷)، نظام بین المللی حقوق بشر، نشر اطلاعات.
- ۳۵- هاشمی، سید محمد (۱۳۸۴)، حقوق بشر آزادی های اساسی، تهران، نشر میزان.

ب-منابع انگلیسی

- 1- Brown, Chris. (2007) "Human Right".In: Baylis, Jhon etal, *The Globalization of World Politics*. UK: Oxford university press.
- 2- Donnelly, Jack. (2003) *Universal Human Rights in Theory and Practice*, London :Cornell University Press.
- 3- Nowak, Manfred (2005) "Human Rights: Handbook for Parlimentarians" printed in France by sadaz bellegarde-sur-valserine.